

نتشریه افسران



شماره دوم
آبان ماه ۱۳۹۱

نسبت به افسران تعصب دارم!



مصاحبه ای خواندنی

با محمد صادق کریمی
sadeg68

سیاستگذاری جمعیتی

- ۷ تهاجم [بی] فرهنگی
- ۴ شب بیداری، سبک زندگی آمریکایی
- ۱۳ تحریف ظالمانه!

بظفا خائنی نشوید
مسئولین بخوانند





زخمی ام التیام می خواهم
التیام از امام می خواهم
السلام وعلیک یا ساقی
من علیک السلام می خواهم
مستی ام را بیا دوچندان کن
جام می پشت جام می خواهم
گاه گاهی کمی جنون دارم
من جنونی مدام می خواهم
تا بگردم کمی به دور سرت
طوف بیت الحرام می خواهم
لحظه مرگ چشم در راهم
از تو حسن ختام می خواهم
در نجف سینه بی قرار از عشق
گفت لایمکن الفرار از عشق



فهرس

۲	سلام بر حزب الله / دل نوشته
۳	منارعه در راند پایانی / پژوهش
۴	زود بخوابید / سبک زندگی
۵	سبک زندگی ایرانی این است؟ / سبک زندگی
۶	فرایند تولید سبک زندگی / سبک زندگی
	کاریکاتور / مبارزه با استکبار
۷	اشک تمساح / فتوکاتور
	تهاجم بی فرهنگی / تامل
۸	مصاحبه با کاربران افسران / محمد صادق کریمی
۹	گذر موقتی های پایتخت / آموزنده
۱۰	قربانی / از مکه تا کربلا و شلمچه
۱۱	سیاستگذاری جمعیتی / نیاز جدی کشور
۱۲	تحریف ظالمانه / لحظه ای درنگ
۱۳	آزادی بیان آمریکایی / و پست فطرتانی بس احمق
۱۴	لطفاً خائن نشوید / مسئولین بخوانند
۱۵	نگارخانه / یا توپخانه



با تشکر از اعضای نشریه دوم:

basar – miladps۳ – baran – masume – hamase – puria – basijha – shieh | ۱۰ – soode – raheemat



سلام بر حزب الله

بسم رب سیدنا المهدي

چگونه به قلم بیاورم عشق را؟ چگونه بگویم از اشکی که بند نمی آید؟ چگونه بگویم از سینه ای که تنگ است؟ چگونه بگویم از قلبی که تند میزند؟ چگونه؟
توفیق که نداشتیم برای نفس زدن در هوایی که یار نفس میزد اما تصاویر برایم فخر میفرشند و نشانم میدهند علی اکبران امام را، چه صورت های نورانی داشتند که از سیرت هایی پاک خبر میداد.. چه گونه های خبسی داشتند که از قلبی پاک و مشتاق خبر میداد.. چه روح بلند و جان سبکی داشتند که از عشق به شهادت خبر میداد.. چه مشت های سنگینی داشتند که از خمی پولادین خبر میداد.. چه صدای مهربانی داشتند که از حب یار خبر میداد..

و چه عاشقانه صدا میزدند، یا سیدنا المهدي و نگاه به نائب المهدي میدوختند...
اینان اند نسل مقداد و ابوذر و سلمان ها برای علی(ع) ، اینان اند نسل همت و باکری و مصطفی چمران هابرای پیر خمین و اینان اند نسل علی محمدی، رضایی نژاد ، شهریاری و مصطفی روشن ها برای سید علی..

اگر دیروز سنگرشان از جنس خاک و خاکریز و سلاحشان از جنس تفنگ و گلوله بود امروز سنگرشان از جنس مدرسه و دانشگاه و سلاحشان از جنس کتاب و کاغذ و قلم است، دیروز دشمنشان رو در رو به پیکار آمده بود و امروز با خنجر برهنه در تاریکی و همش در انتظار فرصتی برای خنجر از پس زدن است، دشمن هنوز همان دشمن و جبهه همان جبهه است، هنوز هم فرمانده کل قوا علی ست..

هنوز پناهشان دل شب و نافله عشق است، هنوز با یک نگاه به روی نائب المهدي گل از گلشان میشکند و اشک شوقشان بند نمی آید. هنوز در انتظار فتح بابی برای شهادت نشستند و یک آن از مجاهدت نمیشینند. هنوز قلبی به وسعت دریا دارند و دین همچو آتشی در کف دست. هنوز با رمز یازها به دل دشمن میزنند و با رمز یاعلی اکبر جان میدهند..

هنوز عاشقانه ندای یا سیدنا المهدي در انتظار فرج طبیب الزهرا(س) و دیدار طلعت رشید یار سر میدهند...

خوش گفت سید شهیدان اهل قلم ، آری این دیار بار دیگر میزبان قدوم مبارکی است که راه تاریخ را به سوی نور می گشایند: حزب الله؛ مردانی که تندباد عواصف آنان را نمی لرزاند، از جنگ خسته نمی شوند، ترسی به دل راه نمی دهند، بر خدا توکل می کنند و عاقبت نیز از آن متقین است.

اسوهی حزب الله ابوالفضل العباس (ع) است و درس وفاداری را از او آموخته اند. وقتی با این جوانان سخن از عباس می گویی، در دل خود جراحی هزار و چند صد ساله را باز می یابند که هنوز به خون تازه آغشته است؛ جراحی کربلا را می گویم.

اکنون وعدهی خداوند تحقق یافته است و قومی را مبعوث ساخته که محبوب او هستند و او نیز محبوب آنهاست، و چه چیزی خوش تر از ملامتی که در راه محبوب کشند؟ آماده شو برادر، جراحی کربلا هنوز هم تازه است و تا آن خونخواه مقتول کربلا نیاید، این جراحی التیام نمی پذیرد.

آری، اگر می خواهی که حزب الله را بشناسی اینچنین بشناس: او اهل ولایت است، عاشق امام حسین (ع) است و از مرگ نمی هراسد. سلام بر حزب الله.

بسیجی عاشق کربلاست و کربلا را تو مپندار که شهری است در میان شهرها و نامی است در میان نامها. نه، کربلا حرم حق است و هیچ کس را جز یاران امام حسین (ع) راهی به سوی حقیقت نیست.

کربلا، ما را نیز در خیل کربلیان بپذیر. ما می آییم تا بر خاک تو بوسه زنیم و آن گاه روانه ی دیار قدس شویم.

خداوندا به ما آنچه ان سطحی از بینش و بصیرت عنایت فرما تا جبهه حق را در طوفان بلایا و فتنه ها گم نکنیم، تا پای جان به پای اسلام بایستیم و حسین زمان را تنها نگذاریم، اگر امروز به قافله کربلا نرسیدیم فردا سر حسین بر نی را به تماشا خواهیم نشست.

میرویم تا خط امام بماند...

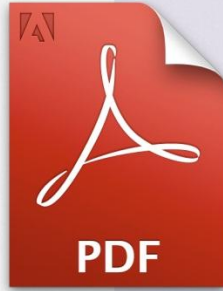
خطی که از ابراهیم آغاز شد و در تداوم سرخ خویش با دست های پاک محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) و علی (علیه السلام) به قلب پرشور امام امت رسید تا رنج بران زمین را از جور حکومت قابیلیان برهاند. می رویم تا خط امام بماند.
خطی که تبلور قاطعیت بر علیه جباران ، عصاره عصیان مستضعفان بر علیه مستکبران ، فریادهمیشه مظلومان ، راه پیروز محرومان است .
می رویم تا خط امام بماند.

خطی که رسالت گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای مغضوبین زمین را برعهده دارد.
می رویم تا خط امام بماند.
خطی که پیام قیام پیروزمند مستضعفان را بر تارک تاریخ خواهد داشت و پوزه کثیف جلالدان را سرانجام به خاک خواهد مالید.
می رویم تا خط امام بماند.

خطی که راه پیروز انقلاب کبیر اسلامی خلق دلوار ایران است و باید که حماسه قیام را تا دوردست ها بکشاند و نهال انقلاب را در دل خلق های تحت ستم جهان بنشاند.
می رویم تا خط امام بماند.

خطی که با نفی هر گونه سازشکاری و ستمکاری ، نوید نابودی سازش گران و ستم کاران را باخود همراه داشت
می رویم تا خط امام بماند.

خطی که پاسداران خون رزمندگان دلیر و شهیدان به خون خفته ی امت قهرمان ایران است.
خطی که سرانجام شوم امپریالیسم و سلطه گران اجنبی را هم اکنون برقله ی عالم نمایان ساخته و دژ مستحکم توحید را در دور دست های هر ستم کده برپا خواهد داشت .



منازعه در راند پایانی

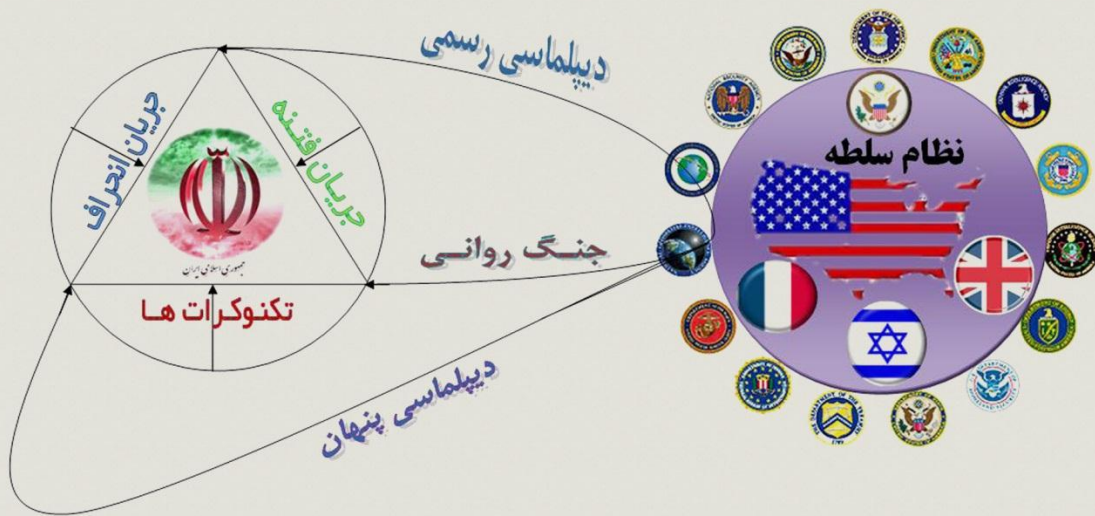
رهیافت پژوهی مواجهه نظام سلطه با ایران هسته ای

محمد جواد اخوان / پژوهشگر مسائل راهبردی

یکی از نتایج اصلی پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تغییر در معادلات قدرت و مناسبت بین الملل به گونه‌ای بود که سبب گشودن جبهه‌ای جدید در رقابت‌های جهانی بود که با شعار اساسی «نه شرقی-نه غربی» چارچوب حاکم بر روابط جهانی را به چالش کشید و حتی با فروپاشی بلوک شرق، حاکمیت هژمونیک نظام سلطه و استکبار جهانی به رهبری ایالات متحده آمریکا را به رسمیت نشناخت. با گذشت بیش از سه دهه از عمر نظام اسلامی، عرصه مواجهه جمهوری اسلامی ایران با نظام سلطه روز به روز گسترش یافته است و تحلیل وضعیت موجود و برآوردی از تحولات آینده نشانگر آن است که با مرور زمان کفه قدرت ج.ا.ا در حال سنگین تر شدن بوده و روند افول سلطه آمریکا هرچه بیشتر شتاب گرفته است.

در سال‌های اخیر منازعه ایران و آمریکا مورد توجه بسیاری از تحلیلگران مسائل استراتژیک بین الملل قرار گرفته است و بسیاری از آنان این عرصه را به سان میدان رقابتی می‌دانند که به دقایق پایانی خود نزدیک می‌شود. با این تفاسیل و با تأملی در روندهای افت و خیز رقبا و حریفان این آوردگاه می‌توان تا حدودی نتایج بازی خصوصا در راند آخر آن را پیش بینی نمود. با این حال تحلیل وضعیت موجود و ارائه برآوردی از آینده نیازمند مذاقه بیشتری است که در این پژوهش کوشیده خواهد شد به بررسی و تحلیل آن پرداخته شود.

با مراجعه به لینک، می‌توانید این پژوهش را دانلود کنید



زود بخوابید

شب بیداری سبک زندگی آمریکایی

zzz

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ - الأنعام: ۹۶
 [هموست که] شکافته صبح است، و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده. این اندازه‌گیری آن توانای داناست.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ - یونس: ۶۷
 اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید]. بی گمان، در این [امر] برای مردمی که میشنوند نشانه‌هایی است.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا - الفرقان: ۴۷
 و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [امایه] آرامشی، و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید.

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ - النمل: ۸۶
 آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیاسایند، و روز را روشن‌بخش [گردانیدیم]؟! قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند مایه‌های عبرت است.

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَلَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ - القصص: ۷۳
 و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون‌بخشی او [روزی خود] بجویند، باشد که سپاس بدارید.

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ - الروم: ۲۳
 و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب و [انیم] روز و جستجوی شما [روزی خود را] از فزون‌بخشی اوست، در این [معنی نیز] برای مردمی که میشنوند، قطعاً نشانه‌هایی است.





سبک زندگی ایرانی این است؟!

این روزها وقتی از خیابان جمهوری اسلامی گذر می کنی یا اینکه انتهای بلوار میرداماد را برای گشت و گذار در شهر انتخاب می کنی، با صف‌هایی طولانی در برابر برخی از فروشگاه‌ها و مغازه‌های فروش لوازم الکترونیک روبرو می شوی.

این صف‌های غیرعادی و بسیار شلوغ که معمولاً از دختر و پسرهای جوان تشکیل شده، در ابتدا این موضوع را به اذهان تداعی می کند که یکی از اجناس و مایحتاج بسیار ضروری مردم به صورت ارزان در اختیار مردم قرار می گیرد که چنین صفی برای آن تشکیل شده اما اندکی جستجو مشخص می کند که شب گذشته، فلان محصول تجملاتی دیجیتالی در فلان کشور ده هزار کیلومتر آنورتر رونمایی شده و اکنون جوانان ایرانی به دنبال آن هستند تا نام خود را به عنوان اولین خریداران یک گجت پیشرفته در ایران ثبت کنند؛ گجتی که اغلب قرار است ارضا کننده حس برتری جویی و اصطلاحاً «کلاس گذاشتن» افراد در میان دوستان و همکاران خود باشد، نه استفاده از امکانات و تکنولوژی آن.



در شرایطی که اوضاع اقتصادی کشور در شرایط حساس به سر می برد و بالا و پایین شدن قیمت ارز، هزینه خرید اجناس ضروری زندگی مردم را نیز افزایش داده است، مشاهده اینگونه صف‌های عجیب و غریب برای تهیه وسایلی که از اساس بر پایه مصرف‌گرایی و حل شدن در سبک زندگی غربی هستند، آن هم در پایتخت ایران که مدعی صدور انقلاب فرهنگی است، بسیار غیرقابل باور و غیرقابل پذیرش است. جالب اینکه هیچ نظارتی هم بر این تجارت وجود ندارد و هر یک از فروشندگان بنا به صلاحدید خود، اقدام به تعیین قیمت برای اجناس خود نظیر انواع تبلت‌ها، گوشی‌های تلفن همراه، پخش کننده‌های موسیقی، لپ‌تاپ‌ها و... می کنند.

به دلیل عدم توجه جدی مسئولین به این مساله و به بهانه «بالا رفتن سطح تفکر تکنولوژیک جوانان»، تب «پل زامبی» و «گیگ» بودن در ایران بسیار بالاست؛ در حالی که خروجی این مساله ربطی به مساله فناوری دیجیتال ندارد و کشور ما در این عرصه هنوز نتوانسته به جایگاه شایسته خود در عرصه جهانی دست پیدا کند. اگر فرجام و نتیجه این همه ریخت و پاش دیجیتال، بالا رفتن سطح فکری و علمی کشور در زمینه فناوری اطلاعات بود، شاید می توانستیم آن را بپذیریم و به فکر اصلاح نقایص و معایب آن باشیم اما در حال حاضر، این مساله تنها به یک «مد» تبدیل شده و قرار نیست هیچ خروجی درست و معقولی برای علم دیجیتال در ایران از آن بیرون بیاید.

در زمانی که بالا رفتن ۱۰۰ تومانی قیمت نان، افکار عمومی را آشفته می کند و مردم را به فکر نحوه تنظیم میزان خرج و مخارج خود برای مدیریت اقتصاد خانواده می اندازد، ارائه لپ‌تاپ ۸۰۰۰۰۰۰ تومانی به بهانه فلان برند مطرح آمریکایی و یا موبایل ۳۰۰۰۰۰۰ تومانی که اساساً زیرساخت فناوری استفاده از ۷۰ درصد امکانات آن در ایران وجود ندارد، چه هدفی را دنبال می کند؟ آیا تبلیغ گسترده اینگونه کالاها در مجلات و روزنامه‌ها و همچنین سایت‌ها و خبرگزاری‌های اینترنتی و حتی معابر شهری، با سبک زندگی ایرانی - اسلامی در تناقض نیست؟ ترویج فرهنگ «چشم و همچشمی» در میان خانواده‌ها و به ویژه زوج‌های جوان برای تهیه فلان برند گوشی تلفن همراه که تنها استفاده صاحبش، بازی «پرنندگان خشمگین» است، نهایتاً قرار است چه دردی از ایران را حل کند؟

قطعاً ادامه این روند، نه تنها اثر مثبتی بر فضای رشد فناوری اطلاعات کشور و بالا رفتن جایگاه ایران در این عرصه نخواهد داشت؛ بلکه در جهت معکوس کار خواهد کرد؛ چرا که عرصه فناوری و گجت‌های الکترونیک را تبدیل به یک عرصه فانتزی و تزیینی تبدیل می کند که تنها برخی اقشار مرفه جامعه توانایی ورود و حضور در آن را خواهند داشت. بالا رفتن رقابت و حسادت در این زمینه، پاساژهای تجهیزات الکترونیک را به خیابان‌های شمال شهر تهران تبدیل می کند؛ یعنی صحنه «دور دور کردن» ماشین‌های مدل بالای وارداتی که به هیچ عنوان با بافت اصلی جامعه ایرانی سنخیتی ندارد.

ترویج فرهنگ «چشم و همچشمی» در میان خانواده‌ها و به ویژه زوج‌های جوان برای تهیه فلان برند گوشی تلفن همراه که تنها استفاده صاحبش، بازی «پرنندگان خشمگین» است، نهایتاً قرار است چه دردی از ایران را حل کند؟

سبک زندگی

هدف زندگی

نظام توحیدی

فرایند تولید سبک زندگی

نهی از تشبه به کفار

امام صادق (ع) فرمود: خدا به پیامبری از پیامبران چنین وحی کرد: به قوم خود بگو لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا نخورند و خود را به شکل دشمنان در نیاورند که از دشمنان من به شمار می آیند، چنانکه آنان دشمنان من هستند.

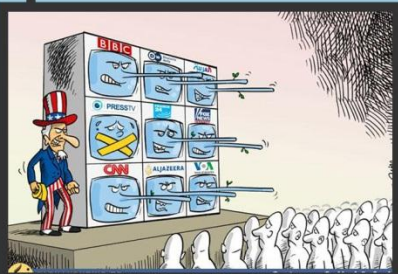
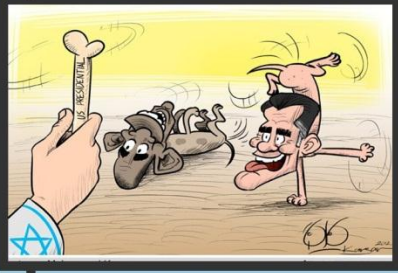
امیرمومنان علی علیه السلام فرمود: کسی که خود را شبیه گروهی کند به آنها ملحق می شود و اندکند کسانی که چنین کنند (به شبهات آنها در آیند) و به آنان نپیوندند.

منبع: مفاتیح الحیاه (آیت الله جوادی آملی)



استقرار از نگاه کاریکاتوری

کاریکاتور





اشک تمساح

جنگ نرم

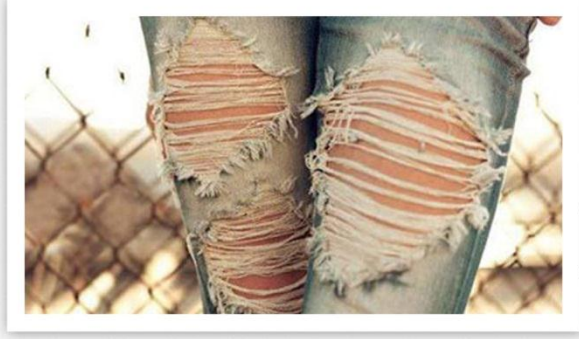
(اوادم بگم غلط کردم، شما په بار دیکه به من رای بدید، قول میدم دیکه کند نرم به مملکت!)

(تو فکر کردی مردم بسوق اند؟! پاک کن اون اشک تمساحو!!)

(انکار حرف حساب حالتون نمیشه! اصلا پولشو می دم! دونه ای چند؟ دلارم نمی دم که بگید بالا پایین میشه...)

((شما جیب ما رو زن...))

((اصن هیچکی منو دوس نداره...))



مشاهده می شود که آنچه در سه یا چهار دهه ی گذشته رضایت کامل یک فرد بالغ را از زندگی شخصی، خانوادگی، و حتی اجتماعی اش به همراه می آورد، در زمانه ی ما موجبات رضایت کمتر کسی را فراهم می آورد. البته این حد از رفاه، به خودی خود، پدیده ی منفی نیست اما اگر به صورت افراطی آن به پدیده ی رفاه زدگی تبدیل شده و با عوامل دیگر چون تجمل گرایی و توجه بیش از اندازه به نیازهای کاذب، و فرهنگ مصرف زدگی به جای تولید، جمع شود، می تواند مشکلات بسیاری را به همراه آورد. اولین و مهم ترین پیامد این پدیده، کم رنگ شدن حضور خدا و معنویت در زندگی آحاد مردم است. پیامد مهم بعدی، می تواند حتی در قالب مسائل اقتصادی خود را نشان دهد.

اگر فردی به جای توجه به نیازهای واقعی و تلاش در جهت تولید برای افزایش سطح رفاه خانواده و اجتماع خود، خود را به گونه ای مصرف زده کند، که به هر نیاز کاذبی به سرعت پاسخ مثبت دهد، این مسلماناً مشکلات اقتصادی بسیاری را به همراه خواهد داشت. زیرا همانگونه که در ابتدائیات علم اقتصاد می خوانیم، میان قیمت و تقاضا، رابطه ی مستقیم وجود دارد؛ هرچه تقاضا برای کالاهای غیرضروری بیشتر گردد، به مرور زمان شاهد افزایش قیمت ها خواهیم بود. افزایش قیمت ها، در مشکلات بعدی از جمله افزایش در نرخ تورم موثر خواهد بود و از آنجا که فرد، عادت به خریدن دارد، ما مشاهده می کنیم که حتی در بالاترین نرخ های تورم نیز مراکز خرید و بازار کالاهای غیرضروری، همچنان پر از ازدحام است و این خود، به افزایش بیشتر قیمت ها دامن می زند. فرد، زمانی که برای کالای مورد تقاضای خود هزینه ی بیشتری را می پردازد، به تدریج احساس رضایت کمتری از خرید خود پیدا می کند. بدین ترتیب، علاوه بر مشکلات اقتصادی، جامعه دچار یک نارضایتی درونی از سبک زندگی خود نیز خواهد شد.

حال با توجه به آنچه گذشت، آیا بهتر نیست در کنار شکایت از بالا بودن نرخ تورم و کم کاری مسئولین، کمی نیز برنامه ی زندگی خود را مرور کنیم؟
و خاتمه دو سوال مهم، که تأمل در آن، می تواند به نتیجه گیری صحیح از این مقاله کمک کند، روحیه ی مصرف زدگی، تجمل گرایی در فرهنگ بومی و دینی ما چه جایگاهی دارد؟ آیا اینگونه نارضایتی ها، نتیجه ی الهام گرفتن از سبک زندگی اروپایی نیست؟

بسم الله الرحمن الرحيم
تهاجم فرهنگی واژه ای است آشنا که مقام عظمای ولایت، در بازشناسی مفاهیم جنگ نرم، از آن بسیار و بسیار استفاده برده و در هر برهه از زمان، ابعادی از آن را برپیمان مشخص نمودند.

در جنگ نرم، همانگونه که از اسمش پیداست، تلاش های دشمن، بیشتر رویکرد فرهنگی دارد و کم تر به صورت مبارزه ی میدانی خواهد بود. البته ناگفته نماند که در مقوله ی جنگ نرم گاهی شاهد مبارزات میدانی هم خواهیم بود و یکی از مصادیق بارز آن مسأله ی فتنه ی سال ۸۸ بود.

عده ای تهاجم فرهنگی را مختص در تغییر برخی ظواهر دانسته یا لاقال آن را بخش مهمی از اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی می دانند. حال آنکه این باور اگرچه، عمومیت هم داشته باشد، باور صحیحی نیست. تغییرات ظاهر، البته بارزترین نمونه ی تهاجمات فرهنگی بوده اند و همه ی ما در طی سال هایی که از سوی دشمن مورد اینگونه شبیخون ها و تهاجمات، بوده ایم، بارها و بارها از این دست تغییرات را به نظاره نشستیم. رواج فرهنگ اختلاط و دوستی با جنس مخالف، بی حجابی و بدحجابی، تغییر در عرف پوشش آقایان، کم رنگ شدن ادب و حیا در منش برخی جوانان و حتی متأسفانه برخی میانسالان جامعه، همه و همه از بارزترین نمونه هایی است که از تلاش روزافزون دشمن به منظور ایجاد تغییرات بنیادین در فرهنگ دینی ما خبر می دهد.

اما همانگونه که گفته شد، تمام اینها هنوز بخشی کوچک و ظاهری ترین نمود تهاجمات شبانه روزی دشمن بر فرهنگ اصیل اسلامی مان است. آنچه در بطن این تهاجمات نهفته است، بسیار تأمل برانگیزتر، و مهم تر می نماید. البته لازم به ذکر است که در مقام مبارزه، هر دو جنبه ی ظاهری و باطنی بایستی مورد توجه قرار گرفته و با رویکردهای صحیح فرهنگی (و در موارد خاص، حتی با رویکرد مناسب انتظامی) با هر دو جنبه، مقابله شود. اما آنچه در این مقاله، به آن پرداخته می شود، تلنگری است برای کمی عمیق تر شدن در نگاه به مسأله ی تهاجم فرهنگی.

به عنوان یک مثال کوچک، توجه شما را به تغییر نوع نگاه افراد به زندگی، در دهه های اخیر جلب می نمایم.

اوادم بگم غلط کردم
شما په بار دیکه به من
رای بدید، قول میدم
دیکه کند نرم به
مملکت!

تو فکر کردی
مردم بسوق اند؟
پاک کن اون اشک
تمساحو!!

انکار حرف حساب
حالتون نمیشه!

اصن پولشو
میدم!
دونه ای چند؟
دلارم نمی دم
بگید بالا
پایین میشه...

شما جیب
ما رو زن!

اصن
هیچکی
منو دوس
نداره!!

شبکه افسران

از نگاه یک افسر

مصاحبه ای خواندنی با

محمد صادق کریمی

دانشجوی ترم آخر
کارشناسی، مهندسی
تکنولوژی صنایع شیمیایی





خیلی از خاطرات من تو افسران
اتفاق افتاده و میفته و این که من اگر
زمانی نیاز باشه به خود سازی برم،
زیاد طول نمیکشه، شاید چند
ساعت، ولی هرگز افسران رو ترک
نمیکم، افسران خیلی چیزها به من
یاد داده که شاید نمی تونستم در
عرض چندین سال بدست بیارم، من
تعصب خیلی خاصی به افسران دارم.

سلام
سلام علیکم

خودتون رو برای ما معرفی می کنید؟

محمد صادق کریمی هستم، متولد سال ۶۸، دانشجوی ترم آخر کارشناسی، مهندسی تکنولوژی صنایع شیمیایی.

خب آقا محمد صادق؛ به عنوان به افسر، شما شبکه اجتماعی افسران رو چه طور می بینید؟

به نظر بنده شبکه اجتماعی رو میتونیم تو چند بخش تقسیم کنیم؛ و با توجه به این که بنده تجربه شبکه های اجتماعی خارجی رو زیاد ندارم و صرفا مشاهده فعالیت داشتیم؛ اما تو بحث شبکه های اجتماعی ایرانی، میتونم پتانسیل های مختلفی داشته باشن برای اهداف خاص .
مثلا برخی از شبکه های اجتماعی هستن که برای کسب درآمد و سعی میکنن کارباشون رو افزایش بدن و با افزودن مخاطب بیشتر، این درآمد رو افزایش بدن، همچنین شبکه های هستن که بصورت فروم مشغول فعالیت هستن و برای انحراف جامعه تلاش بسیاری دارن .
ولی شبکه اجتماعی که ما در حال حاضر در آن فعالیت داریم متفاوت تر از سایر شبکه هاست.
یکی از موارد رو میشه اینچنین گفت، که شبکه اجتماعی افسران کاربر محور هست، یعنی بر حسب علایق و خواسته های کاربران خودش، انواع تغییرات رو انجام میده و این به نظر بنده یکی از موارد مهم هست .
مورد دیگر هم این که؛ شبکه اجتماعی افسران یک هدف کلی رو دنبال میکنه، که هر چقدر کاربرانش به این هدف اهمیت و دقت کنن هم برای کاربران و هم برای خود شبکه اجتماعی موفقیت های بزرگی رو پیش رو میاره.

گفتین شبکه افسران هدف خاصی داره، در رابطه با اون هدف بیشتر برامون بگو، اصلا هدف افسران رو چی می بینی؟ و چه طور تبیین می کنی؟

شبکه اجتماعی افسران در نظر من چندین هدف بزرگ داره که اجماع این هدف ها یک هدف واحد میشه، بعنوان مثال فتح گوگل و جستجوگرهای اینترنتی یکی از اهداف شبکه

اجتماعی افسران هست، که هدف و تاثیر خیلی بزرگی هست و شاید دو، سه سال بعد نتیجه آن روشن بشه. به نظر من دومین هدفش، آموزش کاربران که همان بحث جنگ نرم و تهاجم های فرهنگی باشه هست، و این آموزش های لازم رو بصورت عملی به کاربر میده و نتایج مفیدی هم، چه برای شخص و چه برای شبکه بوجود میاره.

خب این هدف هایی که گفتین، به چه صورت از شبکه به کاربر می رسه؟

از اینجا شروع میکنم که سوژه روز رو همه ما تو سایت میبینیم، و این سوژه ها به مناسبت، تغییر پیدا میکنن. محتواهای مختلفی در سوژه تولید میشه و کاربر های غیر حرفه ای و حتی حرفه ای میتونن برای بازنشر این محتواها تو سایت و یا وبلاگشون استفاده کنن، تولید محتوا در ارتباط با سوژه، ایده های خودش رو داره و کاربر رو به نوعی مجبور میکنه محتوای خودش رو طوری انتخاب کنه که سایر کاربران بتونن ارزش استقبال کنن و بدرد بخور باشه، ما شاهد این هستیم که محتواهای تصویری بیشتری جذابیت رو داره و فرد میتونه حتی بیرون از شبکه، مثلا در دانشگاه و یا مکانهای دیگه، این تولید محتوا، اعم از کتاب، نشریه، کلیپ و یا موارد دیگر رو مدنظر داشته باشه، و این ذهنیت درس ایجاد شده که در سطح عموم، و جامعه ای که قراره براش تولید محتوا داشته باشه به اینها اهمیت بده.
و در بُعد های دیگر از اهداف شبکه افسران، همین آموزش و یادگیری اصول جنگ نرم هست که مباحثه میشه و سایر موارد که در خود لینک ها بصورت نظر و یا لینک های تولیدی اتفاق میفته.
بعنوان مثال؛ بنده برای تولید محتواهایی که مربوط میشه به سوژه روز، سعی میکنم از محتواهایی که از وبلاگ و یا تولید دیگر کاربران باشه الهام بگیرم و از مطالبش استفاده کنم.

صحبت از کاربرها شد، شما کاربرهای افسران رو چگونه می بینین؟

تو افسران هر کسی نسبت به کاربرها نظر و بحثی داره که اینجا من نمیخوام از طرف هیچ کس بغیر از خودم صحبت کنم؛ به نظر بنده افرادی که تو افسران عضو میشن خیلی افراد متفاوتی هستن، که این توانایی رو تو خودشون دیدن تا اسمشون باشه افسر جنگ نرم؛ برای همین من همیشه سعی کردم این دید رو داشته باشم که با افسرهای بسیاری سرو کار دارم، برای همین انتظارهایی هم پیش میاد، شاید از دوستان باشند کسانی که مخالف نظر من باشن، اما اگر واقعا در درونمون این حس رو ایجاد کنیم که در جنگ واقعی قرار داریم و باید راه های سختی رو بریم این اتفاق میفته که سعی میکنیم در عمل، یک افسر باشیم.
اما این وسط افرادی هم که تخصص کافی رو دارن باید تلاش کنن تا دوستانشون و هم زمانشون تو این بحث بیان جلو، و بتونن اونا هم اعلام حضور کنن و فعالیت داشته باشن، حتی تولید یک لینک سه خطی.
باور جنگ نرم برای خیلی از ماها سخته و برای همین هست که نمیتونیم به طور کلی در موردش حرف بزنینم، و این بحث جای کار خیلی داره، که تلاش میخواد، و خیلی از کاربران هم هستن، در این مدتی که در افسران حضور داشتن؛ زمانی مطالب رو بازنشر میکردن و حالا دارن لینک تولید میکنن و سعی میکنن تو حرکت های مختلف سهمی داشته باشن، و این خیلی خوبه.

شما هم تو افسران گروه دارید؟ در موردش می خوایم که کمی برامون بگید.

بله گروه بقول دوستان؛ خارجکی، بیشتر هدفم از این گروه، اولش این بود که همچین گروهی تو افسران وجود نداشت، و هدف دومم رسوندن پیام خیلی از بزرگان بود که هر روز به حق سخن میگن، و ما این سخنان حق رو به زبانهای دیگر و به افراد دیگر در سرتاسر این گیتی برسونیم. چون واقعا پیام انقلاب و انمه رو باید به گوش جهانیان برسونیم و این

شخصیت ها این بزرگواران رو حتی شده به یک نفر از دیگر ملل بشناسونیم، چون اگر در این عرصه عملی انجام ندهیم متأسفانه انقلاب ما نتیجه بخش نخواهد بود، البته این یک دید کلی هست، و فعالیت رو بر این اساس انجام میدیم تو گروه.

گروهتون اوانل، فعالیت خیلی خوبی رو شروع کرد و حتی داخل گروهتون تقسیم بندی ها و مسئولیت هایی هم تعیین شد، چرا الان کم رنگ تر شده؟

مشکلاتی که پیش اومد، اول از خودم بود، چون به تولید محتواهای دیگر مشغول شدم، و مشکل دیگر عدم آشنایی کافی دوستان با زبان انگلیسی و دیگر زبانها بود که مشکل رو بزرگتر کرد.

خب با وجود اینکه نیاز افسران به این گروه خیلی زیاده، آیا راه حلی برای این مشکلات پیدا کردین؟

دنیا راه حل هستم اما چندین مورد نیاز نرم افزاری وفردی داشت، که اگه حل بشه ان شالله درست میشه؛ البته فعالیت ها تو افسران گسترده هست؛ این مشکل از بنده هست که نمیتونم در یک مورد تمرکز کافی داشته باشم و انرژیم رو تو دیگر قسمتها صرف میکنم.

می خوایم به کم برامون از افسران انتقاد کنید! چند وقت پیش یه پیامک برای خداحافظی از افسران زده بودید؛ چرا؟

البته همین اولش بگم؛ این پیامک برای خدافظی بنده نبود، کمی اشتباه از من بود و مقدار خیلی کمش هم از دوستان بود که من تواین فضاقرار گرفتم. خیلی از خاطرات من تو افسران اتفاق افتاده و میفته و این که من اگر زمانی نیاز باشه به خودسازی برم، زیاد طول نمیکشه، شاید چند ساعت، ولی هرگز افسران رو ترک نمیکم، افسران خیلی چیزها به من یاد داده که شاید نمی تونستم در عرض چندین سال بدست بیارم، من تعصب خیلی خاصی به افسران دارم.

کلا از انتقاد کردن به شبکه افسران طرفه می روید یا انتقادی ندارید؟

انتقاد داریم، اما بقول یک بزرگوار نباید عجول باشم تو این قضیه، چون عجول بودن کار رو خراب میکنه، این احتمال هست که کم کاری از طرف من باشه، اگر هم حرفی داشته باشم سعی می کنم به همراه پیشنهاد بگم تا تخریب نشه!

تقریبا نزدیک سیزده آبان هستیم، برنامه خاصی برای روز مقابله با استکبار جهانی دارید؟

برنامه خاصی تو افسران ندارم یعنی باید دوستان و بزرگان بگن تا ما سرباز ها انجام بدیم؛ اما تو شهر برنامه هایی داریم که تقریبا با یک گروه انجام میدیم و سعی میکنیم بهتر از هر سال باشه. به نظر بنده بهترین برنامه رسوندن این پیام به تمام افراد آزادی خواه هست که جنایات آمریکا به مردم ایران رو به گوش جهانیان برسونیم. البته چون روز دوازده آبان به احتمال زیاد پدر و مادرم از حج بیان شاید حضور بنده چند روز مونده به این تاریخ و بعد از آن کم رنگ باشه.

و به عنوان آخرین سوال، اگه با افسران حرفی دارید بفرمایید؟

پیشنهادی که به تمام بزرگان و افسران عزیز دارم اینه که همیشه سعی کنیم بهترین باشیم، حتی با کمترین امکانات. همون طور که امام خمینی (ره) و دیگر بزرگان با کمترین امکانات تونستن این انقلاب رو به ثمر برسونن؛ و این جمله رو از یاد نبریم که امام فرمود: «هی نگوییم انقلاب برای ما چه کار کرده؛ بگوییم ما برای انقلاب چه کرده ایم.» هیچ چیز غیر ممکن نیست.
و از شما دوستان هم بابت تولید همچین مجله و محتوایی بی نهایت متشکرم.

منمون از اینکه وقتتون رو در اختیار ما گذاشتید، ان شاءالله تو همه مراحل زندگی تون موفق باشید.



گذر موقتی های پایتخت و دوست عجیب غریب من!



سمیل تحمل و مصرف گرایی رو دوست ندارم، با پولش ۱۰ تا خانواده میتونن این رفاه نسبی رو داشته باشن، ۲۰ تا جوون میتونن تشکیل خانواده بدن، ۱۵ تا زندانی چک و سفته میتونه آزاد بشه، هزاران فقیر میتونن صاحب لباس و وسایل نو بشن، هزاران هزار مجلس و سفره احسان امام حسین (ع) میتونه بپا بشه، اونا رفاه نمیخوان که دارن له میشن زیر بار مشکلات؟

آیا فکر نمیکنی که خداوند قسمتی از حق فقرا رو در مال من قرار داده؟ آیا فکر نمیکنی بعضی ها هم با مالشون مورد امتحان الهی قرار میگیرن؟ آیا نمیدونی یکی از سوالات قیامت اینه که مالت رو در چه راهی خرج کردی؟ آیا خدا رو خوش میاد من اسراف کنم و به عده شب نون نداشته باشن بخورن؟

اینجاست که من بهش میگم:

برو بابا تو هم خولی، خدا شفات بده که تو دنیا به روز خوش داشته باشی، بیچاره زن و بچت ((

این حرفا رو ولش کنید،

همون عکس ماشین مدل بالای بالا رو ببینید تو این صفحه. درسته نمیخوریم نون گندم ولی حداقل ببینیم دست مردم :

یه رفیق دارم اسمش احسان، خیلی بچه عجیبیه، انگار از کره مریخ اومده.

چرا؟ الان میگم بهتون..

هر وقت که تو خیابون داریم قدم میزنیم و حالا سمت دانشگاه یا مسجد، بهش میگم: احسان! ماشینو نگاه.

(عبور یک ماشین آخرین سیستم خارجی مدل بالا خوش رنگ همه چی تموم، که اکثرا هم داخلش منظره خوبی پیدا نمیکنی، فقط خود ماشینو عشقه)

اصلا این بشر انگار احساس و سلیقه نداره، اصلا سرشو نمیچرخونه ماشینو نگاه کنه!

میگم بچه، تو چته، چرا نگاه نمیکنی، نگاه کردنش که دیگه پول نمیخواود.

میگه: برای چی باید به چیزی که اصلا بهش علاقه ندارم نگاه کنم!!

میگم یعنی تو به یه ماشین خوب که رفاه میاره برای آدم علاقه نداری؟!

میگه: چرا، خیلی علاقه دارم، ولی با تحمل مخالفم، من به ماشین خوب که راحتی بیاره برا خانوادهم رو دوست دارم، ولی ماشینی که

می‌گویند دو ادیب فاضل که عمر خود را در بحث و درس و مطالعه و مکاشفه سپری کرده بودند، روزی اندر مقصود حضرت حافظ از این بیت:

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ
چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

با یکدیگر گفتگو می‌کردند و در نهایت برداشت آنها از این بیت آن شد که منظور خواجه شیراز از پیر مغان همانا حضرت مولا علی (ع) بوده و منظور از شیخ همانا حضرت آدم ابوالبشر. بدین ترتیب حضرت حافظ خواسته است به آدم ابوالبشر بگوید که از آن‌رو مرید مولا علی است که آدم در بهشت وعده داد که به سراغ میوه ممنوعه (گندم) نرود ولی رفت اما مولا علی در تمام عمر خود هیچگاه از نان گندم تناول نکرد و همواره نان جوین می‌خورد.

چندی بگذشت و یکی از آن دو ادیب رخ در نقاب خاک کشید. مدتی بعد شبی به خواب دوستش آمد و گفت که در عالم برزخ حضرت حافظ را ملاقات کرده و منظورش از بیت مذکور را جویا شده است. و لسان‌الغیب در پاسخ گفته که تفسیر آنان از این بیت ناصواب بوده است و سپس به بیان مقصود خود پرداخته بود که:

مراد از پیر مغان همانا سیدالشهدا امام حسین (ع) است و شیخ همانا حضرت ابراهیم خلیل. چرا که ابراهیم به خداوند وعده داد که اسماعیلش را قربانی کند در حالی که خواست خداوند بدان تعلق نگرفت و امام حسین نه تنها فرزندان را به قربانگاه برد، که خود را نیز قربانی نمود.

از مکه تا کربلا و شلمچه

بزرگ‌ترین دارایی انسان که می‌تواند آن را در راه رضای دوست فدا نماید همان جان اوست؛ آنچه نزد ماست نابود شدنی و فانی است در حالی که آنچه در راه خداوند داده شود نزد او باقی است و حیات عند الرب می‌یابد.



در امتداد کربلا

فضل بن شاذان گوید: از حضرت رضا علیه السلام چنین شنیدم که آن زمان که خداوند تبارک و تعالی به حضرت ابراهیم علیه السلام امر فرمود که بجای فرزندش اسماعیل، گوسفندی را که خداوند فرستاده بود ذبح نماید، حضرت ابراهیم علیه السلام در دل آرزو کرد که ای کاش فرزندش اسماعیل علیهما السلام را به دست خود ذبح میکرد و دستور ذبح گوسفند بجای ذبح فرزندش به او داده نشده بود، تا به این وسیله احساس پدری را که عزیزترین فرزندش را به دست خود ذبح میکند، داشته باشد و در نتیجه شایسته رفیع‌ترین درجات ثواب در صبر بر مصائب شود.

خداوند عزّ و جلّ نیز به او وحی فرمود که: ای ابراهیم! محبوبترین خلق من، نزد تو کیست! ابراهیم گفت: خدایا! مخلوقی خلق نکردهای که از حبیبیت محمد صلی الله علیه و آله نزد من محبوبتر باشد، خداوند به او وحی فرمود که: ای ابراهیم آیا او را بیشتر دوست داری یا خودت را؟! او گفت: نه، او را بیشتر دوست دارم، خداوند فرمود: آیا فرزند او را بیشتر دوست داری یا فرزند خودت را؟! عرض کرد: فرزند او را، خداوند فرمود: آیا بریده شدن سر فرزند او از روی ظلم، به دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می‌آورد یا بریدن سر فرزندت به دست خودت بخاطر اطاعت از فرمان من؟ گفت: بریده شدن سر فرزند او به دست دشمنانش دل مرا بیشتر به درد می‌آورد.

خداوند فرمود: گروهی که خود را از امت محمد صلی الله علیه و آله می‌دانند، فرزندش حسین را به ظلم و ستم به مانند گوسفند ذبح خواهند کرد و با این کار مستوجب خشم و غضب من خواهند شد، ابراهیم علیه السلام بر این مطلب جزع و فزع نموده، دلش به درد آمد و شروع به گریه کرد، خداوند عزّ و جلّ هم به او چنین وحی فرمود: ای ابراهیم! به خاطر این ناراحتی و جزع و فزع بر حسین و قتل او، ناراحتی و اندوهت بر اسماعیل را- در صورتی که اگر او را ذبح می‌کردی- پذیرفتم، و رفیع‌ترین درجات ثواب، در صبر بر مصائب را به تو خواهم داد، و این همان مطلبی است که آیه «وَفَدَيْنَا بِذَنبِكَ عَفْوَكَ» (ذبح بزرگی را جایگزین او کردیم- صافات: ۱۰۷) بدان اشاره دارد.

وَفَدَيْنَا بِذَنبِكَ عَفْوَكَ

اما ابراهیم علیه السلام در مورد قربانی کردن فرزندش چیزی به هاجر نگفت که نکند محبت مادری او مانع از انجام حکم و دستور خدای تبارک و تعالی شود اما ما در زمانمان صحنه‌های بسیاری را از مادران شهیدی سراغ داریم که نه تنها یک فرزند بلکه چندین فرزند خود را در راه سربلندی اسلام و اجرای فرمان الهی امام به قربانگاه فرستادند و مادر شهیدی که تنها فرزندش را فدای اسلام کرد و خم به ابرو نیاورد.

شهید حسن بابائیان در وصیتنامه خویش خطاب به مادرش می‌گوید:

سلام بر تو ای مادر که بهشت زیر پای توست. سلام بر تو ای مادر که فرزند خود را راهی به جبهه کردی به خدا قسم که ای دشمنان اسلام نظاره کنید این قهرمان مادرانی که فرزندان خود را به جبهه می‌فرستند و خود هیچ دریغی از لحاظ مالی و جانی ندارد. آری مادر جان یادت هست می‌گفتی به جبهه برو مبادا دشمن فکر کند که ما خانواده شهدا دیگر فرزندان خود را فدای امام و اسلام نمی‌کنیم. مادر جان این سخنان را با اشک و خون خود می‌نویسیم. مادر جان مرا ببخشید که نتوانستیم زحماتی که برای من کشیدی جبران کنم می‌دانم که اگر من به شهادت برسم تو گریه‌ای که می‌کنی بیاد شهدای کربلا و آقایان حسین (ع) است.

و شلمچه گلزار اسماعیل هابی است که در راه رضایت محبوب سر از پا نشناختند و سر و جان برایش باختند تا بار دگر نشان دهند سربلند بیرون آمدن از امتحان الهی را و زنده کنند نام شهدای کربلا و نام علی اکبر را و بار دیگر ثابت کنند در جایی که راه ما راه حق و حقیقت باشد از قربانی شدن برای دوست واهمه ای نداریم که ما پیروان ابراهیم و عاشقان حسینیم.





نیاز جدی کشور سیاستگذاری جمعیتی

مردمی که شعار «۲ فرزند کفایت» در جان شان نفوذ کرده است و «زندگی بهتر را در فرزند کمتر» باور کرده اند، باید باورشان را با علم به این نیاز جدی به تعادل رساند.

و خانه ی وسیع می تواند تعداد بیشتری فرزند را به نحو مناسب تربیت کند و یک پدر با درآمد پایین و خانه ی کوچک امکان تربیت فرزند کمتری را دارد و این ها باید تبیین شود تا هم مردم و هم کشور از تفریط دوباره به ورطه ی افراط سرازیر نشوند.

هنوز در بسیاری نقاط کشور ظرفیت زراعی و کشاورزی زیادی بدون استفاده مانده است و این ظرفیت با نرخ رشد جمعیت پایین در آن حوزه ها آباد نشده و بدون کشت باقی مانده اند و این مسئله نشان از اهمیت شناسایی ظرفیت های مختلف در هر حوزه دارد تا بتوان کاری حساب شده و علمی انجام داد، باید ضمن تعریف نرخ رشد جمعیت متناسب با امکانات و ظرفیت هر منطقه و خانواده، بین نرخ رشد جمعیت و ظرفیت های جدید ایجاد یا کشف شده تناسب برقرار کرد.

این که بین تهران، مراکز استانها، شهرها و روستاها با یک سیاست تشویقی یا کنترلی بخواهیم کار کنیم مسلماً اشتباه است و حتی استان های مختلف نیز باهم بسیار متفاوتند. هم اکنون تراکم جمعیت بین استانهای مختلف و امکانات و ظرفیت برای تأمین نیازهای جمعیت در هر ناحیه باهم فرق دارد. شما نمی توانید برای یک روستایی با هکتارها زمین قابل کشت همان تجویز را بکنید که برای یک تهرانی با خانه ی ۴۰ متری می کنید. شما نمی توانید برای خیابان های تهران همان جمعیت را نسخه بپیچید که برای خیابان های خلوت یک شهر کوچک می پیچید. آنچه که اکنون نیاز کشور است این است که ابتدا بپذیریم وضعیت موجود یعنی کنترل جمعیت غیر هدفمند اشتباه است و سپس باید بپذیریم که این وضعیت باید به یک افزایش جمعیت هدفمند جایگزین شود نه با افزایش جمعیت غیرهدفمند.

اینک وقت آن است که عالمان کشور در حوزه های مختلف بنشینند و برای ظرفیت کشور در نواحی مختلف، سیاستگذاری جمعیتی کنند و البته این سیاستگذاری ها نباید به صورت ملی، که با دقت منطقه ای دنبال شوند و البته در جایی مثل تهران اگر لازم باشد، همان سیاست های کنترلی ادامه یابد.

در کنار مسئله تفاوت جغرافیایی، توان افراد و خانواده ها نیز در گرداندن چرخ خانواده متفاوت است، یک پدر با درآمد مناسب

سالهاست که در کشور ما بحث توالد و افزایش جمعیت با برخورد های افراطی و تفریطی مواجه شده است و موجب شده تا اداره و مدیریت کشور به صورت بهره ور میسر نباشد. طی چند سالی که دستور افزایش جمعیت به صورت نامحدود و تا آخرین نا صادر شد، مشکلات متعددی در کشور ایجاد گردید و موجب شد تا مجدداً با دستور مسئولان و البته حمایت بزرگان، با شعار "یک فرزند خوب دو فرزند کافی" یا "فرزند کمتر، زندگی بهتر" افزایش بی محابای جمعیت کنترل شد ولی وضعیت کنترلی بیش از حد ادامه یافت و موجب شد تا اکنون از سوی نهادهای داخلی و حتی بین المللی کشور با مشکل پیرشدن نسل و کاهش تعداد فعالان جامعه مواجه شود و حتی اخیراً نیز رهبر معظم انقلاب از طولانی شدن آن سیاست به عنوان یک اشتباه نام ببرند.

اما آنچه که باید در اصلاح مسئله در دستور کار قرار گیرد، دستور عمومی به افزایش جمعیت نیست بلکه باید برای جمعیت کشور سیاست گذاری شود و مردم از علمی بودن این سیاستگذاری مطلع و مطمئن شوند، چرا که هم اکنون بیشترین اصطکاک با دستور افزایش جمعیت از سوی خود مردم وجود دارد، مردمی که شعار "۲ فرزند کفایت" در جان شان نفوذ کرده است و «زندگی بهتر را در فرزند کمتر» باور کرده اند، باید باورشان را با علم به تعادل رساند.



تعریف ظالمانه در سخنان رهبری



سیاوش آقاجانی

مطلبی را در یکی از وبلاگهای مدافعان متعصب دولت دیدم که با تعریف سخنان رهبری، کلیه سخنان ایشان و شاید هم خود ایشان را به نفع دولت مصادره کرده بود، واقعاً نتوانستم از این ظلم به رهبری ننویسم که گویی پاسخ ملاحظت های رهبر از سوی برخی با سوءاستفاده داده می شود. آن گاه که رهبر درخواست و دستور و امر و نهی می فرمایند، برخی سرشان را به سمت کوچه قلی چپ می چرخانند و آن گاه که رهبر مسئولان نظام را حتی با همین کلیت مورد تمجید قرار می دهند و دلسوز معرفی می کنند گردن ها را افراشته می کنند که دیدید، دیدید، رهبر منظور دولت است، دیدید آنهايي که به دولت انتقاد می کردند هم ولایت مدار نیستند و هم بصیرت ندارند و هم عنودند و لجوج!!!

آنجا که رهبر سران هر سه قوه را به تفکیک مورد خطاب و عتاب قرار می دهند که دست از لجاجت و اختلاف بردارید و متحد و هم دل باشید، متأسفانه دستور رهبر نه تیر می شود و نه مورد تحلیل و ریشه یابی قرار می گیرد، آنجا که رهبری از مسئولان انتقادی به لحاظ اقتصادی می کند، آنجا که از مسئولان می خواهد تمام مشکلات اقتصادی را گردن تحریم ها بیندازند، آنجا که کوتاهی خاصی را در بحث اقتصاد مورد اشاره و تذکر قرار می دهد، آنجا که قصوری را در عرصه ی فرهنگ عمومی یا عفاف و حجاب بر می شمارد، آنجا که اشتباهی را در عرصه سیاست خارجی تصحیح می کند، برخی دولت دوستان متعصب سردر گریبان فرورده و سکوت می کنند و آن گاه که رهبری مسئولان را دلسوز معرفی می کنند و یا آن گاه که رهبری مذاکره کننده گان و یا صاحبان تربیون (که شامل آقای احمدی نژاد و سعید جلیلی و می شود) را در مجامع بین المللی مورد تأیید و تشویق قرار می دهند و یا آن هنگام که صفتی از صفات خوب دولت یا رییس دولت را بیان می کند، همان ها که در هنگام انتقاد و یا دستور سردر گریبان کرده بودند ناگهان گریبان دریده و منتقدان را آماج تهمت های مختلف قرار می دهند و انگار نه انگار که بخش هایی از انتقادات توسط خود رهبر بیان شده بودند.

اصلاً تعریف مگر چه معنایی دارد؟! همین که جهت و سمت سخنان رهبر که پراست از تأیید و توصیه های حاوی پیشنهاد و انتقاد را به تأیید صرف تعبیر کنند، جز تعریف چه نام دارد؟! تعریفی برای تظلمیر خود، برای بستن دهان منتقدان، برای قبول نکردن اشتباهات، برای فرار از مسئولیت پذیری، برای تبلیغات انتخاباتی، برای مقصر شناساندن سایرین و بهانه ای برای معصوم نشان دادن دوستان خود.

اکنون بعد از سخنان اخیر رهبر معظم انقلاب که با هدف ایجاد همدلی و وحدت بین مسئولان بیان شد که در آن مسئولان قوا و ارگانها را خودی و دلسوز نامیده شدند و خواسته شد که ایشان را به جای دشمن مورد حمله قرار ندهند و از همه خواستند که به همدیگر حمله نکنند، گویی بازهم برخی به جای اطاعت و فرمانبرداری و ملاحظت با یکدیگر سعی در مصادره این سخنان داشته و باب دیگری برای تفرقه باز کرده اند و این دستورات رهبر را که در جهت وحدت، همدلی، پرهیز از حاشیه سازی و مهمتر از همه مسئولیت پذیری بیان شده است را به یک جمله تعریف کرده اند که: دیدید رهبری، رییس جمهور و البته تمام کارهای ایشان را تأیید کرد و این که پس هر کسی که به دولت انتقاد کرد، بی انصاف و تهمت زنده و ... است.

باور کنید که اکنون از این مظلومیت رهبر اشک در حدقه چشمانم حلقه زده است، مگر می شود کسی ادعای ولایت مداری داشته باشد ولی به جای این که سپر بلای ولی شود، ولی را سپر بلا کند، این گونه هر اقدام شومی را در جهت ولایت مداری معرفی می کنند، آن از آقای هاشمی رفسنجانی که می گفت من بهتر از ولی می دانم نفعش کجاست و به خاطر دلسوزی به رهبری پس تنته می کنم، آن از آقایان لاریجانی و قالیباف که به جای قدم گذاشتن در مسیر ولی، راهی دیگر را برای بی طرف نشان دادن خود انتخاب کردند تا به قول خودشان با بی طرفی بیشتری به رهبری خدمت کنند و الان مدعی نجات نظامند، آن از رییس محترم قوه قضاییه که در برابر هر انتقادی، خود را منتظر و معطل امر رهبر می کند تا مسئولیت هیچ کاری حتی برخورد با بدترین فتنه گران سیاسی و اقتصادی را به گردن بگیرد و آن از نمایندگان مجلس که با تصویب، رد، حمایت، سوال و استیضاح های سیاسی آتش لجاجت را با ایستادن در برابر دستورات موکد رهبر شعله ور کردند و آن هم از دولت عزیز که دستورات رهبر را با یک هفته و ۱۰ روز تعلل آنهم با منت و ادعای ولایت مداری و دروغگو خواندن منتقدان گردن می نهد.

اشک می ریزم از این که رهبری را سپر بلا می کنند تا خودشان را مبتلا نبینند، خداوند به ما هم بسان رهبرمان صبر دهد، از خدا صبر و بصیرتی می خواهم تا نگذارم مظلومیت های رهبرمان را در پس مظلوم نمایی های دیگران پنهان کنند و این که نکند بدهکاران را طلبکار نمایم، از خداوند استعانت می طلبم تا هم در برابر تعریف سخنان رهبر بی تفاوت نباشم و هم آب به آسیاب دشمن نریزم، و از خداوند می خواهم که مرا سپر بلای ولی کند و ولایت مدار واقعی بنماید و این که بصیرتی دهد تا ولایت مدار و ولایت ندار را از هم بازشناسم و البته بازشناسم.

لحظه ای درنگ

آن گاه که رهبر درخواست و دستور و امر و نهی می فرمایند، برخی سرشان را به سمت کوچه قلی چپ می چرخانند و آن گاه که رهبر مسئولان نظام را حتی با همین کلیت مورد تمجید قرار می دهند و دلسوز معرفی می کنند گردن ها را افراشته می کنند که دیدید، دیدید!

از خداوند می خواهم که مرا سپر بلای ولی کند و ولایت مدار واقعی بنماید و این که بصیرتی دهد تا ولایت مدار و ولایت ندار را از هم بازشناسم و البته بازشناسم.

آزادی بیان آمریکایی و پست فطرتانی بس احمق



آنها نمیفهمند که با اینگونه حملات و هجمه های توهین آمیز فقط و فقط باعث محکم شدن پیوند اتحاد بین مسلمانان جهان میشوند و بار دیگر به ما یادآوری میکنند که در معرفی ابعاد والای شخصیت رسول الله(ص) و تبیین برکات دین آسمانی اسلام به مردم جهان کم کاری کرده ایم و باید تلاشمان را مضاعف کنیم.

الله غالب علی أمره. "سید علی خامنه‌ای" مسلمانان خواستار توقف این توهین به مقدساتشان، مجازات هتاکین و جلوگیری از انتشار این فیلم میشوند و مقامات آمریکایی با بیان اینکه "آزادی بیان به خطر می افتد" مقاصد پلیدشان را دنبال میکنند. جوک سال میشود آزادی بیان... مسخره است، چه جوک بی مزه و مسخره ای.

خدا را شکر میکنیم که دشمنانمان پست فطرتانی بس احمقند... آنها نمیفهمند که با اینگونه حملات و هجمه های توهین آمیز فقط و فقط باعث محکم شدن پیوند اتحاد بین مسلمانان جهان میشوند و بار دیگر به ما یادآوری میکنند که در معرفی ابعاد والای شخصیت رسول الله(ص) و تبیین برکات دین آسمانی اسلام به مردم جهان کم کاری کرده ایم و باید تلاشمان را مضاعف کنیم.

یا رسول الله(ص)، یا رحمة للعالمین، شرم داریم که ما زنده ایم و شاهد این توهین های سخیف به ساحت قدسی شما هستیم، اما ما نیز میدانیم که خاک پاشی بر آفتاب محال است و عملی است هرز و بیپوده، شرمنده ایم که در معرفی ابعاد والای شخصیتی شما به مردم عالم کاری نکرده ایم و با کم کاری خود چراغ سبزی برای این بی احترامی ها شده ایم... انشالله بیدار شویم و در جبهه حق خود به اندازه ای که کفار بر جبهه باطلشان راسخ اند، قدم برداریم.

پیام آور آن که خدای متعال رحمه للعالمینش خواند می آورند. امروز خشم مسلمانان و انزجارشان از آمریکا و غرب چندین برابر گذشته است و با بیداری های اسلامی منطقه جان تازه ای در وجودشان جریان یافته و آمریکا هنوز این مسئله را درک نکرده و یا نمیخواهد باور کند. در کشورهایی چون لیبی، افغانستان، تونس، سودان، یمن و مصر و.. شاهدیم که چگونه از این توهین خشمگینند و به سفارت آمریکا حمله و آن را به آتش میکشند و در لیبی سفیر آمریکا را به هلاکت رساندند.

اما رسانه های غربی و غالباً صهیونیستی قصد دارند این اعتراضات را به گروه های تندرو اسلامی و سلفی ها نسبت دهند و دوباره بهانه های جنگ افروزی را از سر بگیرند، این سناریوهای سوخته دیگر کاربرد ندارد و عصر، عصر بیداری ملت هاست.

متهم اول در این جنایت، صهیونیسم و دولت آمریکا است. سیاستمداران آمریکا اگر در ادعای دخالت نداشتن خود صادقند، باید عاملان این جنایت شنیع و پشتیبانان مالی آن را که دل ملت‌های مسلمان را به درد آورده‌اند، به مجازات متناسب با این جرم بزرگ برسانند.

برادران و خواهران مسلمان در سراسر جهان نیز بدانند که این حرکات مذبحوانه‌ی دشمنان در برابر بیداری اسلامی، نشانه‌ی عظمت و اهمیت این خیزش و مبشر رشد روزافزون آن است. و

بار دیگر شاهد آزادی بیان از نوع آمریکاییش بودیم، آزادی بیانی که توهین به مقدسات صدها میلیون انسان را محترم میشمارد و حتی تحمل انتقاد یک گروه‌بان ساده آمریکایی در شبکه‌ی اجتماعی فیس بوک از اوپاما را ندارد و مجوز اخراج او از نیروی پلیس میشود، نمرودیم و معنی آزادی بیان را هم فهمیدیم...

محاکمه های رسانه ای و تهدید افرادی چون شان استون و هدر گاوتنی فقط به دلیل سفر به ایران و بیان اعتقادات خود و حقایق درباره دولت دیکتاتور آمریکا نمونه های کوچکی از موارد بیشمار آزادی بیان آمریکایی است، این است آزادی بیانی که همواره مدعی آن هستند و به بهانه اش کثیفترین اعمال را انجام میدهند.

امروز شاهد آن هستیم که فیلمی موهن به ساحت مقدس شخصیت اول عالم خلقت حضرت رسول اکرم(ص) با پشتیبانی مالی صدها صهیونیست و دولت آمریکا ساخته و انتشار یافت. فیلمی که خشم جهان اسلام را به همراه داشت و بار دیگر چهره منحوس آمریکا و اسرائیل خبیث را به نمایش درآورد و نشان داد که مدعیان حقوق بشر و آزادی بیان برای رسیدن به مقاصد پلید خود از هیچ جنایتی فروگذار نمیکنند و بعد از درماندگی در برابر بزرگترین مکتب زندگی بشری که حقیقت آزادی و آزادی را برای بشریت به ارمغان می آورد رو به توهین و تخریب چهره



لطفاً خائنی نشوید!

مسئولین بخوانند

کارشان میخوانیم. مسئولین نسبتاً محترم! مواظب باشید خائن خوانده نشوید!

رهبر معظم انقلاب فرمودند:

اختلافات مضر است. هم اختلافات بین مسئولین مضر است؛ هم بدتر از آن، کشاندن اختلاف میان مردم مضر است. این را من به مسئولین، به رؤسای محترم هشدار میدهم. من از رؤسای قوا حمایت کردم، باز هم حمایت میکنم - مسئولند، باید کمکشان کرد - اما به آنها هشدار میدهم، مراقب باشند. نه اینکه این نامه نگاری‌ها خیلی مهم باشد؛ نه، صد تا نامه بنویسند؛ کار خودشان را بکنند، اختلافات را به میان مردم نکشاند، چیزهای جزئی را مایه‌ی جنجال و هیاهو و استفاده‌ی تبلیغاتی دشمن و خوراک تبلیغاتی رادیوهای بیگانه و تلویزیونهای بیگانه نکنند. صد تا نامه بنویسند؛ نامه‌ی مهمی ندارد. مهم این است که همه‌ی ما بدانیم مسئولیتی داریم، همه‌ی ما بدانیم موقعیت حساسی داریم.

اختلافات را نباید علنی کرد؛ اختلافات را نباید به مردم کشاند؛ احساسات مردم را نباید در جهت ایجاد اختلاف تحریک کرد. از امروز تا روز انتخابات، هر کسی احساسات مردم را در جهت ایجاد اختلاف به کار بگیرد، قطعاً به کشور خیانت کرده است. (۹۱/۸/۱۰)

این را هم تمام دنیا بدانند که حماسه نهم دی هر لحظه و هر آن تکرار شدنی است. مردم به پای رهبرشان به پای نظامشان سر میدهند ولی هرگز نمیگذارند حرف ولی روی زمین بماند.

والسلام و نامه تمام..



چندی است که شاهد بی بصیرتی عده‌ای از مسئولین نظام بودیم، مملکت را با این همه مشکل و در اوج جنگ سیاسی و اقتصادی با تمام دنیا رها کرده‌اند و به مجادله با یکدیگر میپردازند.

مردم قهرمان ایران مشکلات اقتصادی را میتوانند تحمل کنند، کم و کاستی‌ها را میتوانند تحمل کنند، جنگ و مشکلات تحمیلی بیگانگان را میتوانند تحمل کنند، تا زمانی که دلسوزی مسئولین نظام را ببینند نه اینکه دلسوزی نمی‌بینند بلکه شاهد مجادله‌های سیاسی و دعوای مسئولین هم باشند!

باز هم لازم شد مردم به مسئولان درس بصیرت و موقع شناسی بدهند، باز هم باید شاهد خون دل خوردن رهبر دلسوز و فرزانه انقلاب باشیم، باز هم باید شاهد سر دادن فریاد "این عمار؟" باشیم. پس کی درس میگیریم از این تاریخ انقلاب، آیندگان از رفتار امروز شما چه قضاوتی درباره عملکردها خواهند داشت؟ امروز که تمام دنیا چشم به ایران اسلامی دوخته و عده‌ای آرزوی سربلندی و عده‌ای با تمام قوا در تلاش سرنوشتی آن هستند، امروز که یک پای تمام معادلات دنیا مسئله ایران است و امروز که دعوای دو نامزد انتخابات آمریکا این است که امروز به ایران حمله کنیم یا فردا، آیا مهمترین کار بر زمین مانده ما دعوا با یکدیگر است؟

به قول حاج سعید، مردم با هم متحدند و تا پای جان پای نظامی که برایش خون دادند ایستاده‌اند، شما به فکر حل دعوای و مشکلات خودتان باشید!

همانطور که در بیانات دیروز صبح رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان شاهد بودیم، ایشان تأکید بر حفظ وحدت مسئولین داشتند و به ایشان هشدار دادند که از کشاندن دعوای خود به میان مردم شدیداً پرهیز کنند و خوراک تبلیغاتی و رسانه‌ای به دست معاندین نظام و انقلاب ندهند.

این بار هم ما از حضرت امام خامنه‌ای (حفظه الله) معیار گرفتیم، از این پس همه را با این خط کش و میزان میسنجیم، تمام مسئولین را، اگر مترشان به متر خائن آمد با صراحت خیانت

اختلافات را نباید علنی کرد؛
اختلافات را نباید به مردم
کشاند؛ احساسات مردم را
نباید در جهت ایجاد اختلاف
تحریک کرد. از امروز تا روز
انتخابات، هر کسی احساسات
مردم را در جهت ایجاد
اختلاف به کار بگیرد، قطعاً به
کشور خیانت کرده است.

Afsaran.ir



بسم الله الذي خلقنا من الجحيم.



ای مرجع ما، چشمه خورشید تویی
آن رهبر فرزانه جاوید تویی
چشمان تمام شهر، فرش ره تو
دلدار تویی، عشق تو، امید تویی

رهبر! چشم انتظار قدم مبارک شما نه تنها مردمان خطه خراسان شمالی اند، بلکه همه حق طلبان زمین، از جوانان استعمار ستیز ترکیه و حسین گویان کربلای عراق، تا زینبیاں سوریه و شیعیان مظلوم عربستان و سوختگان میانمار و قرآن پناهان افغانستان و پاکستان و محبان اهل بیت مصر و انقلابیون شمال آفریقا، حتی جنبش ضد وال استریت آمریکا کاخ امپریالیسم و سرمایه داری .. و این عشق تا قلب اروپا را نیز درنوریده است.

آقا جان! ای عزیز دلهای عاشق! آفتاب چهره شما دلهای افسرده را جانی دوباره می بخشد و زبانها را به ذکر لیبیک و غریو شادی از حضورت گویا می سازد.



۳ / پاسخ به شبهه

چرا به استقبال رهبری می‌رویم؟ جواب استاد پناهیان را بخوانید.

۵ / آلبوم خاطرات

گوشه‌ای از تصاویر زیبا و روح‌نواز از حاشیه سفر مقام معظم رهبری

۷ / خنده حلال

گزیز از بیانات رهبری در مسائل اقتصادی کشور به آنطرف آب

۸ / نقش یار

بخشی از آثار افسران، ویژه سفر به دیار خراسان

۹ / گزارش

نگاهی اجمالی و گزارشی کوتاه از مراسم مشترک یگانهای نظامی





استقبال از رهبر... چرا؟

پاسخ حجه الاسلام پناهیان به شبهه‌ای درباره استقبال از رهبر

حجّه الاسلام و المسلمین پناهیان

به آن‌ها هدیه کردند. در حالی که این استقبال‌ها بسیار پرشورتر و پرجمعیت‌تر از آن استقبال مردم شهر انبار بود. بنابراین آنچه تعیین کننده و حائز اهمیت است نیت و انگیزه استقبال است. البته باید گفت این که بعضی‌ها حرف‌هایی را می‌زنند و شبهه‌هایی را ایجاد کنند اصلاً مسأله تازه‌ای نیست، چون نمی‌توان جلوی زبان را گرفت. حتی در روایات آمده که در دوران ظهور امام‌زمان ۴ بعضی‌ها با استناد به آیات قرآن، دل ایشان را خون می‌کنند و با آن آیات به جنگ حضرت می‌روند. طبق روایات حضرت بقیه‌الله ۴ وارد هر شهری می‌شوند، مردم استقبال شدیدی از ایشان می‌کنند. حتی در روایت آمده است، یاران خوب حضرت، جهت تبرک، به مرکب ایشان دست می‌کشند «یتمسحون بصرح الامام یطلبون بذلک البرکة».

لذا این حدیث نشان می‌دهد که اصل استقبال اشکالی ندارد و مهم این است که فلسفه آن چه باشد. اگر فلسفه آن شاه پرستی باشد، باید ترک شود ولی اگر نیت و فلسفه آن خدایی باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه طبق روایات، یکی از اوصاف یاران امام‌زمان ۴ است و این جنبه استقبال برای ما ملاک است و قداست دارد.

حضرت امام خمینی: زمانی که در نجف یا قم تدریس می‌کردند وقتی سر درس می‌رفتند، شاگردانشان را از اینکه برایشان صلوات بفرستند نهی می‌کردند و به این کار راضی نبودند و می‌گفتند صلوات را جای دیگری بفرستید ولی وقتی بنا شد ایشان بعد از سال‌ها دوری از وطن به ایران بازگردند، نه تنها از شکل‌گیری کمیته استقبال ممانعت نکردند، بلکه توصیه‌ها و هماهنگی‌هایی را هم با آن کمیته داشتند، و لذا از برنامه‌ریزی برای استقبال میلیونی در تهران ممانعت نکردند زیرا این استقبال، استقبال از شخص نبوده؛ استقبال از شخصیت و جایگاه مقدّس ولایت بود.

شاهدی دیگر بر این قضیه، وقتی است که مردم آب وضوی پیامبر را به عنوان تبرک می‌بردند و ایشان از این کار مانع نمی‌شدند و نمی‌فرمودند: «این چه کاری است که می‌کنید؟ خودتان را دلیل نکنید!» چون می‌دانستند مردم این کار را به خاطر خدا و با معرفت انجام می‌دهند. و لذا اگر مردم می‌گفتند: «هرکسی رئیس ما باشد وقتی دست و صورتش را می‌شوید ما آبش را جمع می‌کنیم»، قطعاً حضرت مانع می‌شدند.

بنابراین استقبال از رهبر انقلاب هم یک تظاهرات مقدّس در پاسداشت مقام ولایت است. قطعاً ثمره طبیعی استقبال مردم، ناامیدی دشمن و شاد شدن قلب دوستداران انقلاب است ولی این برکات تمام آن چیزی نیست که خدای متعال به خاطر این استقبال به مردم ما عنایت کرده است. تمام برکاتی که ما برای ولایت‌مداری مردم تصور می‌کنیم، چیزهایی است که «ما» تصور می‌کنیم، نه چیزهایی که «خدا» تفضّل می‌کند. آنچه خداوند عنایت می‌کند براساس «و یرزقه من حیث یرزق» می‌باشد.

هربار که مقام معظم رهبری سفری استانی دارند، مثل همیشه آنانکه از درک مفهوم «ولایت» عاجزند وقتی حیران دل‌دادی عمیق بین امت و امام می‌شوند، با ذکر احادیثی! شروع به شبهه‌پراکنی برای زیرسوال بردن استقبال پرشور مردم ولایت‌مدار شهر میزبان می‌کنند. اینجاست که ناخودآگاه کلمات سید شهیدان اهل قلم، شهید مرتضی آوینی در گوش جان تداعی می‌شود؛ آن زمان که هنوز داغدار رحلت امام خمینی(ره) بود ولی در آن‌ماه سال ۱۳۶۸ بعد از دیدار هنرمندان حوزه هنری با رهبر انقلاب خطاب به امام‌خامنه‌ای نوشت: عزیز ما، ای وصی امام عشق! آنان که معنای «ولایت» را نمی‌دانند در کار ما سخت در مانده‌اند، اما شما خوب می‌دانید که سرچشمه این تسلیم و اطاعت و محبت در کجاست. خودتان خوب می‌دانید که چقدر شما را دوست می‌داریم و چقدر دلمان می‌خواست آن روز که به دیدار شما آمدیم، سر در بغل شما پنهان کنیم و بگرییم. ما طلع آن عنایت ازلی را در نگاه شما باز یافتیم. لیکن شما شفقت صبح را داشت و شب انزوای ما را شکست. سر ما و قدمتان، که وصی امام عشق هستید و نائب امام زمان.

این بار نیز بعد از استقبال پرشور مردم خونگرم خراسان شمالی با استناد به یک حدیث، شبهاتی در این مورد مطرح شده که در ادامه به پاسخ این شبهات که توسط حجت الاسلام پناهیان بیان شده می‌پردازیم.

گروهی از مردم شهر «انبار» حضرت علی علیه‌السلام را در مسیری که به سمت شام می‌پیوندید دیدند، پیاده به دنبال امام و در مقابل ایشان دویدند و مراسم استقبال از حضرت را انجام دادند. ابتدا حضرت اعتراض نکردند، بلکه از علت کارشان سوال کردند و فرمودند: «ما هذا الذی صنعتموه؟» این چه کاری است که انجام می‌دهید؟ منظور حضرت از این سوال این بود که فلسفه این کار شما چیست؟ زیرا حضرت می‌دانستند آن‌ها چه کار می‌کنند و معلوم بود که به استقبال آمده‌بودند. به عبارت دیگر حضرت می‌فرمایند: «برای چه این کار را می‌کنید؟» آن‌ها در جواب گفتند: «خلق منا نعظم به امرائنا» این عادت ماست، هرکسی رئیس شود ما این کار را برایش می‌کنیم. بعد از این که فلسفه این کار خود را بیان کردند، حضرت آن‌ها را از این کار نهی کردند و فرمودند: به خدا سوگند حاکمان شما از اینگونه احترام گذاشتن‌ها سودی نبردند. شما در دنیا خود را به زحمت می‌افکنید و در آخرت نیز دچار عذاب می‌شوید و چه سودمند است آسایشی که امان از جهنم در پی آن باشد.

اگر آن‌ها در جواب حضرت روایت مشهور پیامبر اعظم ۹ در کتاب اختصاص شیخ مفید، ص ۱۵۰ را می‌گفتند که «علی جانم اگر نمی‌ترسیدم که مردم در مورد تو چیزی را بگویند که در مورد عیسی بن‌مریم گفتند، در مورد تو سخنی می‌گفتم که از هرجا رد شوی، مردم خاک کف پای تو را به عنوان تبرک بردارند و ما به این دلیل که تو وصی رسول رب العالمین هستی دورت را گرفته‌ایم» مطمئناً حضرت مانع آن‌ها نمی‌شدند. زیرا رسول خدا ۹ در زمان هجرت مانع استقبال مردم مدینه نشدند و همچنین حضرت‌رضا ۷ در ارتباط با استقبال کنندگان نیشابور هیچ نهی نکردند و بلکه حدیثی نیز

اصل استقبال اشکالی ندارد و مهم این است که فلسفه آن شاه پرستی باشد، باید ترک شود ولی اگر نیت و فلسفه آن خدایی باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه طبق روایات، یکی از اوصاف یاران امام‌زمان ۴ است و این جنبه استقبال برای ما ملاک است و قداست دارد.



این روزها فضای آسمان کشور به سوی خراسان شمالی پر می کشد و وقتی نام رهبر فرزانه انقلاب شنیده می شود، ناخودآگاه خود را در خراسان تجسم می کنم.
همین چند روز پیش بود زمانی که خبر سفر رهبرم به خراسان را شنیدم، گویی آرام و قرار نداشتم. من اهل پایتخت بودم و تا چند روز دیگر پایتخت کشورم شمال خراسان بود.
نداشتن آرام و قرارم از این جهت بود که عاشقانی که سالها انتظار دیدن یار علی را داشتند این انتظار آنها به حقیقت مبدل می شد.
جمعیت آن قدر زیاد بود که خیلی راحت می توانستم خودم را در بین جمعیت تصور کنم.

آقا، جونم فدات



فرمانده؛ از تو به یک اشاره
از ما به سر دویدن



آقا جان سلام
خیلی کوچیکم اما جونم
ناقابلم فدات

آقا سلام
الهی فدات بشم
من و بابام و مادرم



خراسان شمالی یک ایران و یک کشور بود و یکی از آن عاشقان من بودم. البته من در تاپ و توپ قلب یکی از عاشقان آقا بودم که در جمعیت تلاش می کرد خود را به اتومبیل حامل رهبر انقلاب برساند. حتی لحظه ای فکر کردن به اینکه می توانم در قلب عاشقی باشم که می توانست و این فرصت برای او فراهم شده بود، باز هم راضیم می کرد. آقای ما مولای ما دیدی که چشمان عاشقانت فرش راهت شد و خیابان های خراسان شمالی با اشک چشمان مردمی که از روزها قبل آماده حضور پر مهرت بودند، خیس شده بود. ای بار خراسانی مراقب مولای یک ایران که نه یک دنیا باش.



من ناشور هستم
دست دارم





دشمن متوجه شده راه نظامی نتیجه ندارد و باید از راه معیشت مردم وارد شود

رئیس مرکز مطالعات دکترینال امنیت بدون مرز با تأکید بر اینکه دشمن متوجه شده که از راه نظامی توان مقابله با انقلاب اسلامی ایران را ندارد، گفت: دشمن فهمیده از راه فرهنگی هم تا حدودی به اهداف خود دست می یابد و باید از راه معیشت مردم وارد شود و نوسانات هیجانی بازار سکه و ارز در سال گذشته و گرانی های گسترده در داخل به همراه اقدامات تمامی عناصر اطلاعاتی غربی به منظور زمین زدن مردم بود.

عباسی تصریح کرد: در حالی که آمریکا تمامی نیروهای نظامی خود را از عراق خارج کرده و تا چند سال دیگر از افغانستان خارج می شوند پس راه مقابله با ایران همان مبارزه اقتصادی و ورود به معیشت مردم است.

وی با اشاره به اینکه گردش سالانه اقتصاد آمریکا چهار تریلیون دلار تریلیون است، گفت: ۵۵ تریلیون دلار کل بدهی آمریکا است که از این میان ۱۶ تریلیون دلار بدهی خارجی است و با این وضعیت اقتصاد آمریکا در عمل از هم پاشیده است؛ اما هنوز هم بعضی ها در کشور دم از مذاکره با آمریکا برای کاهش تحریم ها می زنند و هنوز هم اساتیدی در دانشگاه های ما هستند که می گویند راهکار حل مشکلات ما پیاده کردن مدل های اقتصادی غربی است و هر روز در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به کرات تبلیغات بانک ها را پخش می کنند.

رئیس مرکز مطالعات دکترینال امنیت بدون مرز خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی ایران با داشتن مشکلاتی از جمله قرار داشتن در منطقه ای ناامن، مسیر ترانزیت مواد مخدر، مسائل کلیدی در ضعف مدیریت، معضلات فرهنگی و ناملایمات سیاسی از نظر ثبات و ضریب امنیت در بهترین وضعیت حتی از کشورهایی نظیر آلمان، فرانسه، روسیه و ژاپن قرار دارد.

مقام معظم رهبری: در همین چند روزی که نوسان قیمت ارز و ریال، خبر اصلی اول خبرگزاری های آنها را تشکیل میداد، صریحاً ابراز خوشحالی کردند. متانت و وقار دیپلماسی را هم رعایت نمیکنند؛ بچگانه و کودکانه ابراز خوشحالی میکنند که برای ملت ایران مشکل درست کردیم، ... این را صریح میگویند! دو سه ساعت یک عده در دو تا خیابان تهران می آیند چند تا سطل زباله را آتش میزنند، آنها آن طرف دنیا اظهار خوشحالی میکنند که آره، شلوغ شد، شلوغ شد! وضع ما بدتر است یا وضع شما؟ الان نزدیک یک سال است که خیابانهای کشورهای عمده اروپائی شب و روز تظاهرات است...مشکل شما بمراتب پیچیده تر از مشکل ماست. شما اقتصادتان قفل است؛ خوشحالی میکنید که اقتصاد ایران ضعیف شده؟ شما بدبختید، شما رو به رکود و انهدام و اضمحلالید. جمهوری اسلامی با این مشکلات از پا در نمی آید.

یکسال آشوب و تشنج و تظاهرات در اروپا و آمریکا

همه چی آرومه
من چقدر خوشحالم...



آخ جون شلوغ شد!
ببین تحریم ها چه کرده!
چه آتیشی به پا کردند!
چه دودی! چه جمعیتی!
ای...حقوق بشر!!!

دو، سه روز شلوغی و خرابکاری در بازار تهران





Afsaran.ir

هفتاد



انیمیشن کوهنورد



پوستر / در را رسیدن به تو گیرم که بمیرم



کلیپ / دلسته یاران خراسانی خویشم...

سلام بر تو که بوی خمینی می دهی، سلام بر تو و بر نیکوترین تدبیرها! که نگذاشت لحظه ای تنهایی و غربت بر اندام سبز کشورمان رخنه کند.

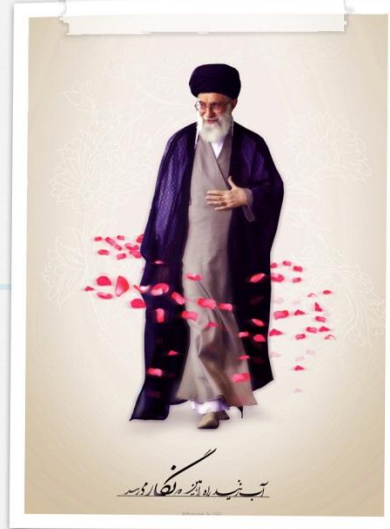
سلام بر تو، که از آن زمان که خویش را شناختم تصویر زیبایی چون ماه در کنار آفتاب خمینی زینت طاقچه های دلمان بود.

سلام بر تو، که باغبان هنگام رفتنش دستان ما را به دستان تو سپرد، ای سرو بلند قامت باغ ایران زمین.

آری آفتاب آمد دلیل آفتاب.

تو آمدی تا غصه ندیدن خورشید، تمام روزهایمان را یلدا نکند. «عزیز ما، ای وصی امام عشق! آنان که معنای «ولایت» را نمی دانند در کار ما سخت درمانده اند، اما شما خوب می دانید که سرچشمه این تسلیم و اطاعت و محبت در کجاست. خودتان خوب می دانید که چقدر شما را دوست می داریم و چقدر دلمان می خواست آن روز که به دیدار شما آمدیم. سر در بغل شما پنهان کنیم و بگیریم.

ما طلعت آن عنایت ازلی را در نگاه شما بازیافتیم. لبخند شما شفقت صبح را داشت و شب انزوی ما را شکست. سر ما و قدمتان، که وصی امام عشق هستید و نایب امام زمان (عج).»



پوستر / آب زیند راه را...

Afsaran.ir